

مبانی حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر آموزه های دینی: با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

محمد شریفی

چکیده:

پاراادایم «حکمرانی خوب»^{*} یک روش جاری برای اداره جامعه در سطح جهان بوده و با موضع دولت و حکومت جداست. از طرفی حکمرانی خوب در یک فرهنگ مادی شکل گرفته و رشد نموده است و قطعاً با فرهنگ اسلامی همخوانی ندارد. پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای غربی در پی ترمیم خرابی و توسعه کشورهای آسیب دیده از جنگ برآمدند. در این زمینه، سه رهیافت دولت بزرگ، دولت کوچک، و الگوی حکمرانی خوب مطرح شد. برای اعمال حکمرانی خوب، نهادهای بین المللی شاخص هایی را مطرح کردند. هر قدر کشوری به این شاخص ها نزدیک تر باشد توسعه یافته تر خواهد بود. حکمرانی در معنای عام شامل فرایند به کارگیری سیاستها و تصمیم گیری ها از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی است اما از منظر آموزه های دینی اسلام خلافت و ولایت از سوی خدا برای نیل انسان به کمال و تعالی و در محور توحید می باشد. سؤال اساسی، این مقاله این است که آیا می توان برای اداره جامعه ایران برپایه آموزه های عملی و نظری حکومتی دین اسلام و با نگاه راهبردی به بیانیه گام دوم انقلاب، الگویی از حکمرانی ارائه نمود. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و روش جمع آوری اطلاعات برپایه اسنادی و چارچوب نظری حکمرانی خوب، مبانی اساسی دین اسلام و بیانیه گام دوم انقلاب به موضوع پرداخته است. در تجزیه و تحلیل یافته ها، مولفه های حاکمیت قانون، حق اظهار نظر و پاسخگویی، مشارکت، کنترل فساد، شفافیت، عدالت، اثربخشی دولت در حوزه پیشرفت به عنوان مهمترین مولفه های یک حکمرانی خوب از منظر آموزه های دینی برای اداره کشور جمهوری اسلامی ایران معرفی شد.

کلیدواژه ها: حکمرانی، حکمرانی خوب، آموزه های دینی، بیانیه گام دوم انقلاب، جمهوری اسلامی ایران.

بیان مساله:

بحث حکمرانی خوب در مقابل حکمرانی ضعیف مطرح شده است. همان گونه که هاتر و شاه (۲۰۰۰) اشاره می کنند در حاکمیت ضعیف، قوانین و مقررات بیش از اندازه از کار کرد مناسب می کاهد و فساد اداری را ترویج، و رقابت را تضعیف می کند، اولویت گذاری های نامناسب به تخصیص نامناسب منابع می انجامد

وناتوانی در وضع قوانین و رفتار حکومتی مناسب که هادی توسعه باشد، مشهود است. حکمرانی خوب به ترویج پاسخگویی، شفافیت، کارایی و حاکمیت قانون در همه سطوح می پردازد و اجازه می دهد مدیریت کارای منابع انسانی، طبیعی، اقتصادی و مالی در توسعه عادلانه و پایدار به منظور تضمین مشارکت جامعه مدنی در فرآیند تصمیم گیری به کار گرفته شود. در بیشتر فرهنگ های لغت، حکمرانی را اعمال اقتدار در مدیریت سازمان، موسسه یا دولت و حتی در سطح جهانی مطرح کرده اند. مفهوم حکمرانی همانند حکومت می تواند خوب یا بد باشد که خوب یا بد بودن بر اساس ویژگی های آن شناخته می شود که حاصل تجمیع دیدگاه های برخی از نهاد های بین المللی است. (لیون، ۲۰۰۰، ص ۲۷۴).

موضوع مهم و قابل توجه این است که برای کار در حوزه های علمی مبتنی برنظریه های اسلامی نباید از اصطلاحات و واژگانی بهره گرفت که در نظریه های مبتنی بر فرهنگ مادی مورد بحث قرار می گیرند. حتی اگر برخی عبارات، اصطلاحات و واژگان با مفاهیم اسلامی مشترک باشد؛ زیرا با برداشت ها و معیارهای فرهنگ غربی مطرح شده است و دارای ابعاد مفهومی و شاخص هایی است که قطعاً متفاوت از معیارها و شاخص های فرهنگ اسلامی یا الهی است (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹). لذا باید باید با خلق مفهوم جدید یا گرتنه برداری از مبانی ارزشی، به روش معرفت شناسانه، دست به عنوان پردازی اسلامی زد و از تعبیری نظیر دولت کریمه، حکمرانی صالحان و نظایر آن بهره گرفت و مؤلفه های آن را احصا و به دور از ادبیات جهانی، آن را مورد بحث و بررسی قرار داده و در جهان گسترش داد. (آرنت و عمان، ۲۰۰۸، ص ۱۱).

از سویی انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشته است و قدم به دهی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش ها و به دست آوردن پیشرفت های خیره کننده، همواره سربلند دیده اند. در چنین نقطه ای عطفی، رهبر انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهی گذشته پرداخته و توصیه هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه نمودند. بیانیه ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله ی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی»

خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد. با نگاه به ابعاد اساسی در این بیانیه و بررسی نظریه‌های موجود در حوزه حکمرانی خوب می‌توان یک مسیر حرکتی مشخصی برای ترسیم نقشه راه حکمرانی در کشور اسلامی ایران ترسیم کرد. در مجموع و با توجه به مطالعات انجام شده ویژگی‌های مشترک برای حکمرانی خوب را می‌توان براساس وجود و تقویت ساختارهای دموکراتیک، شفافیت، پاسخگویی، هوشمندی و توسعه مشارکت جویانه و احترام به حقوق بشرو قانونگرایی برشمرد که تمامی این شاخصها در بیانیه گام دوم نیز آمده است. هدف این پژوهش شناسای و استخراج ابعاد، عوامل و معیارهای ارزیابی حکمرانی خوب در کشور در وضعیتی است که الگوهای معمول در تبیین آنها با دشواری روبه‌رو است و برپایه اسنادی و چارچوب نظری حکمرانی خوب، مبانی اساسی دین اسلام و بیانیه گام دوم انقلاب می‌باشد.

مفهوم حکمرانی

حکمرانی در لغت به معنای حکومت و فرمانروایی و نیز عمل و شغل حکمرانی آمده است. از نظر واژه‌شناسی لاتین، حکمرانی به واژه یونانی (kubernan) به معنای هدایت کردن یا اداره کردن عائد است. اولین بار این واژه توسط افلاطون در رابطه با طراحی نظام حکومت استفاده شده است. گفته شده اصطلاح یونانی مذکور ریشه‌ی لغت (gubnare) در قرون وسطی بوده که بر همان مفاهیم هدایت کردن، قانونگذاری یا راندن دلالت می‌کند در دایره المعارف بریتانیکا معادل واژه‌ی (governance) به معنای الگوهای فرمانروایی و فرایندهای حکومت کردن آمده است؛ اما در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه حکومت (government) استعمال شده است برای تبیین مفهوم اصطلاحی این واژه در متون حقوقی باید به تعاریف ارائه شده از سوی سازمان‌های بین‌المللی به عنوان متبکر مفهوم حکمرانی خوب مراجعه کرد. بانک جهانی حکمرانی را به عنوان روشی که براساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود تعریف می‌کند.

از نظر بانک جهانی، حکمرانی عبارت است از: فرایند و نهادهایی که از طریق آنها تصمیمات اخذ و اختیارات در یک کشور اعمال می‌شود (بانک جهانی، ۱۹۹۹، ص ۳). از نظر برنامه توسعه ملل متحد، حکمرانی عبارت

است از: اعمال اقتدار اداری، سیاسی و اقتصادی در اداره امور کشور در تمام سطوح (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷، ص ۵). از نظر صندوق بین المللی پول، حکمرانی عبارت است از: بهبود اداره منابع دولتی، حمایت از توسعه و نگه داری محیط قانونی و اقتصادی با ثبات که هادی فعالیت های کارآمد بخش خصوصی باشد (صندوق بین المللی پول، ۲۰۰۵، ص ۴). از نظر کافمن، حکمرانی عبارت است از: اعمال اقتدار از طریق نهادها و سنن رسمی و غیررسمی برای مصلحت عامه. اما به شکل کلی می توان یک تعریف جامع از حکمرانی ارائه کرد که عبارت است از: فرایند اعمال اقتدار در حوزه های اداری، سیاسی و اقتصادی از طریق نهادهای رسمی (دولت) و غیررسمی (بخش خصوصی) برای اداره جامعه. آنچه قابل توجه است این است که در بیشتر تعاریف، اعمال اقتدار وجود دارد و حکمرانی به صورت یک فرایند ذکر شده است.

مبانی نظری حکمرانی خوب

حکمرانی خوب در ابتدا رویکرد اقتصادی داشت؛ یعنی هدف از شکل گیری آن توسعه اقتصادی بود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۶). سپس با توجه به اینکه دولت به عنوان یکی از عناصر حکمرانی خوب، در میان مجموعه عناصر آن، باید قوی و با کیفیت ظاهر شود، رویکرد سیاسی نیز پیدا کرد. در زمینه توسعه اقتصادی، سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه دولت بزرگ، دیدگاه دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب. اینک هریک از این دیدگاه ها بررسی می شود:

الف. دیدگاه دولت بزرگ

پس از جنگ جهانی دوم و همچنین پس از بحران بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۲۹ (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۶)، بیشتر نظریه پردازان و سیاست گذاران بر این باور بودند که تنها عاملی که می تواند از پس خرابی های جنگ و بحران و رکود اقتصادی برآمده، موجب توسعه اقتصادی شود، دولت است. از این رو، دولت همچنانکه در بعدی سیاسی تقویت می شود، در بعد اقتصادی نیز باید تقویت گردد و گسترش پیدا کند. (نادری قمی، ۱۳۹۰). این رهیافت از سال ۱۹۴۵، یعنی پس از جنگ جهانی دوم، شروع شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت. لازم به یاد آوری است که این رویکرد بر اساس راهنمایی مشاوران و اقتصاددانان کینزی در غرب، به اجرا گذاشته شد (نادری قمی، ۱۳۸۳، ص ۸۰).

ب. دیدگاه دولت کوچک

با گذشت قریب سه دهه از عمر نظریه قبل، ضعف و ناکارآمدی آن در صحنه اقتصادی آشکار شده و جای خود را به مفهوم متفاوت دیگری داده است. به عبارت دیگر، مفهوم دولت رفاه، که تلویحاً مبین نقش جامع دولت (دولت بزرگ) در اداره امور و برنامه ریزی است و جایگزین نقش اولیه گروه ها و مؤسسات اجتماعی و خصوصی گردیده، به تدریج، در حال محو شدن است و در بیشتر موارد، مشاهده می گردد که جای خود را به مفهومی متفاوت داده است (رهنورد، ۱۳۸۸، ص ۲). از جمله ناکارآمدی ها و ضعف ها، می توان به تراکم نیروی کار در بنگاه های دولتی و نیز ایجاد بازدهی نزولی این بنگاه ها اشاره کرد (نادری قمی، ۱۳۹۰). این عوامل موجب شد بیشتر آنها با زیان دهی مواجه شوند. ضعف و ناکارآمدی رهیافت دولت بزرگ راه را برای ظهور رهیافت دوم، که از آن با عناوین اقتصاد بازار، مکتب شیکاگو، و نتولیرالیسم، اجماع واشنگتنی یا تعدیل ساختار یاد می شود، هموار ساخت.

بر اساس این نظریه، دولت باید کوچک شود و نقش آن در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد کاهش یابد. بر مبنای این نظریه، دولت باید در کارهای بازار کمتر وارد شود و بیشتر کارها را به نیروهای بازار واگذار کند. در چنین شرایطی، دیدگاه طرف داران اقتصاد بازار، که خصوصی سازی را یک غایت و کمال مطلوب می دانستند و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بودند و به قدرت بازار، انتخاب مردم، کارآمدی رقابت، و قیمت بازار اعتقاد داشتند و معتقد بودند که این شیوه می تواند جای تخصیص دولتی منابع را بگیرند، حاکم گردید. طبق این دیدگاه، بازارها بهترین نتایج را به بار می آورند و قیمت ها بهترین تخصیص دهنده منابع هستند و هر گونه دخالت دولتی برای تغییر آنچه بازارها به وجود می آورند ضدتولیدی شمرده می شود. با توجه به این رویکرد، نگاه به دولت به عنوان عامل توسعه، به جدی ترین مانع توسعه تغییر یافت (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵).

ج. الگوی حکمرانی خوب

در اواخر دهه ۱۹۹۰ رهیافت سومی ظهور و نمود پیدا نمود به نام رهیافت حکمرانی خوب. این رهیافت بر دو رهیافت پیشین غلبه پیدا نمود. بر اساس این رهیافت، دو رهیافت قبلی دارای اشکالات بودند. مثلاً، رهیافت اول

بر تراکم نیروی کار در دولت و بازدهی نزولی تکیه داشت. (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳، ص ۱۴) همچنین وجود همزمان تورم و بیکاری در اقتصاد به صورت عموم و در کشورهای غربی به صورت خاص از پیامدهای اجرای آن بود. این اشکالات زمینه شکل گیری رویکرد دوم، یعنی اقتصاد بازار و رویکرد دولت کوچک را فراهم نمود (همان، ص ۱۵).

رهیافت دوم نیز دارای اشکالات متعددی بود. این اشکالات، از سوی کارشناسان بانک جهانی مانند جوزف/استیگلیتز، معاون سابق بانک جهانی، و ناگلاس نورث، اقتصاد نهادگرا، مطرح شده اند. این اشکالات را پس از بحران شرق آسیا و تجربه نا موفق کشورهای اروپای شرقی و شوروی (سابق) و بحران های متعدد مالی در طول ۲۵ سال، بر سیاست های تعدیل وارد نمودند و ضرورت اتخاذ اجماع پسا واشنگتنی را به عنوان یک راهبرد جدید، سیاست گذاری و مطرح کردند؛ (همان، ص ۱۶)؛ مثلاً، یکی از اشکالات بازار آزاد، حتی در رقابتی ترین اقتصادهای جهان مانند آمریکا، این است که اگر این بازار آزاد توسط دولت تنظیم نشود موجب بحران و ورشکستگی اقتصادی خواهد شد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۹). یا به گفته/سترتین، بازار بدون مداخله دولت، نهادی بی رحم و ویرانگر خواهد شد (همان، ص ۳۸).

در این راهبرد جدید، مسئله ابعاد دولت، یعنی کوچک سازی، نقش محوری خود را به توانمندسازی دولت داد. (صوفی مجید پور، ۱۳۸۳، ص ۱۲) توانمند سازی دولت تنها از طریق کوچک سازی تحقق پیدا نمی کند، بلکه علاوه بر آن، از طریق شایسته سالاری، تمرکززدایی، همکاری و نظارت نهادهای مدنی و استانداردسازی نظام های آماری، پولی و بودجه ای تحقق پیدا می کند. (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس توانمندی دولت تعریف نموده و دو راهبرد برای توانمندسازی دولت ارائه داده است: یک تطبیق ظرفیت ها با نقش های دولت، دیگری افزایش ظرفیت های دولت. منظور از راهبرد اول این است که دولت وظایف متعددی دارد و توانمندی های این نهاد مانند هر سازمان دیگری محدود است و بنابراین، باید ظرفیت های خود را به وظایفی اختصاص دهد که اولویت بیشتری دارند. (همان، ص ۲۶۳) البته این اولویت بندی باید توسط مردم انجام شود؛ زیرا اولویت از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت است؛ مثلاً، در برخی از کشورها اولویت اول حمایت از حقوق مالکیت، در برخی دیگر، اولویت اول توزیع عادلانه درآمد، و در کشور سوم، اولویت اول بازسازی است. منظور از راهبرد دوم، یعنی، توانمندسازی دولت، عبارت است از:

اصلاح نظام قضایی، تمرکز زدایی، مبارزه با فساد، شفاف سازی نظام بودجه ای، شایسته سالاری، و پیوستن به نظامات بین المللی (همان) به صورت کلی، نهادهای بین المللی از جمله بانک جهانی با توجه به تجربه ای که از کشورهای گوناگون به دست آورده بود، از سیاست رویکرد دوم، یعنی دولت کوچک به رویکرد سوم، یعنی حکمرانی خوب در مورد توسعه اقتصادی روی آورد.

خلاصه آنکه علت اصلی پیدایش حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی بوده است. در باره توسعه، سه رهیافت، دولت بزرگ، دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب وجود داشته است. با توجه به اینکه از نظر کارشناسان نهادهای بین المللی، دو رهیافت اول دارای ضعف های بوده و کارایی لازم خود را از دست داده است، آنان رهیافت حکمرانی خوب را به عنوان بهترین عامل توسعه پذیرفته و آن را به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد نموده اند.

ابعاد حکمرانی خوب

علاوه بر این تعاریف و ویژگیهای متفاوت، سازمان های مختلف برای حکمرانی خوب، شاخص های متفاوتی بیان کرده اند که نشان می دهد کار کرد های مختلف دارد. هاتر و شاه شاخص هایی مانند مشارکت شهروندان، دولت محوری، توسعه اجتماعی و اقتصادی را برا یارزیابی حکمرانی خوب بر شمرده اند و معتقدند که هر چه موفقیت در دستیابی به شاخص های یاد شده بیشتر باشد، کشور به حکمرانی خوب نزدیک تر خواهد شد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد نیز اجماع محوری، مشارکت، قانون محوری، کارایی و اثر بخشی ف عدالت و برابری، مسئولیت پذیری و شفافیت را شاخص های حکمرانی خوب بر شمرده و بر تأمین حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در تصمیم گیری و اجرای آن تأکید کرده است. در پژوهش دیگری که با هدف بررسی و وضع حکمرانی در ۱۷۷ کشور جهان از سوی بانک جهانی صورت گرفته، شش شاخص برای سنجش وضع حکمرانی به کار گرفته شده است.

از نظر برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیت با ویژگی هایی همچون مشارکت جویی، شفافیت، پاسخ گویی، اثربخشی، رعایت برابری، ارتقای حاکمیت قانون، و تعیین اولویت های اقتصادی،

سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع تر، که در آن ندای ضعیف ترین و آسیب پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۷، ص ۲۵).

حکمرانی خوب از نظر وزارت فدرال اروپا چنین تعریف می شود: در بستر مساعدت محیط سیاسی و نهادی که به حقوق بشر، اصول دموکراتیک و حاکمیت قانون ارجح می نهد، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت شفاف و پاسخگویی افراد بشر، طبیعت منابع اقتصادی و مالی به منظور توسعه منصفانه و پایدار.

از نظر کافمن، حکمرانی خوب عبارت است از: حاکمیتی که بر مبنای ابعاد گوناگون (پاسخ گویی خارجی و ندای ذی نفعان، ثبات سیاسی و فقدان خشونت و تبه کاری و تروریزم، اثربخشی دولت، فقدان تحمیل قوانین، حاکمیت قانون، کنترل فساد قابل سنجش است (کافمن، ۲۰۰۳، ص ۵).

همان گونه که ملاحظه می شود، تعاریف مزبور برای حکمرانی خوب عمدتاً، یا به شاخص ها و ویژگی هایی مانند پاسخ گویی، شفافیت و مشارکت اشاره دارد و یا به آثار مترتب بر این شاخص ها، مانند توسعه، امنیت، رفع فقر و ثبات اقتصادی، اما به عناصر و مؤلفه های حکمرانی خوب مانند دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی که بسیار مهم هستند، نپرداخته است. با توجه به تعاریف مزبور و تعاریف مشابه دیگر، حکمرانی خوب را می توان به این صورت تعریف نمود: نهادها (دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی)، فرایندها، و روش هایی که مشخص می سازد: تصمیم ها چگونه گرفته شوند؟ قدرت چگونه اعمال شود؟ و شهروندان چگونه نظریات و خواسته های خود را بیان دارند؟ (برنامه توسعه ملل متحد، ۱۹۹۹، ص ۲۵).

شاخصهای حکمرانی خوب مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب:

حکمرانی خوب مفهومی است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ در ادبیات توسعه به عنوان کلید معمای توسعه مطرح گردید. این مفهوم برگرفته از نظریه نهادگرایی است و محصول مشارکت سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی می باشد بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص حق اظهار نظر و پاسخ گویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می کند. هم چنین از بین شش شاخص حکمرانی خوب شاخص ها ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات و حاکمیت قانون اثری مثبت و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر شاخص توسعه انسانی دارند.

شاخصهای حکمرانی خوب در بیانات مقام معظم رهبری و نیز دریانیه گام دوم انقلاب به طور خلاصه در ابعاد زیر ترسیم شده است:

-عدالت خواهی و گسترش عدالت

-فسادستیزی

-سلامت اعتقادی و اخلاقی مسولان

-ساده زیستی و مردم گرایی

-تواضع

-پرهیز از اسراف

-خودگرایی، تدبیر و حکمت در تصمیم گیری و عمل

- وسعت نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف

- پرهیز از منافع شخصی و گروهی (هوای نفس)

- شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل که حق است

- انس با خدا و قرآن و استمداد دائمی از خدا

- تلاش بی وقفه برای ارائه خدمت عمومی

- شایسته سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی

- نظارت بر عملکرد و اطمینان از صحت عمل دستگاهها

- قانون گرایی

- بهبود مستمر نظام و ساختار دولتی

- پرهیز از تصدی گری

- تمرکز زدایی

- اطلاع رسانی و شفافیت اطلاعات

- حفظ سرمایه های ملی و زیست محیطی

- توجه به فرهنگ به عنوان محیط زیست انسانی در جامعه

- مشارکت مردم در تصمیم گیری و تصمیم سازی در عرصه ملی و جهانی

میتوان گفت که شاخصهای بیان شده از جانب رهبر معظم انقلاب نه تنها در برگیرنده ۶ بعد شاخص حکمرانی اعلام شده توسط بانک جهانی می باشد بلکه ابعاد گسترده تری را نیز شامل می شود.

اثر بخشی دولت :

حکمرانی خوب به این مفهوم است که فر آیند ها و نهاد ها منجر به نتایجی می شوند که نیاز های جامعه را تامین می کنند و در عین حال بهترین بهره برداری از منابع در اختیار را امکان پذیر می نمایند. کارایی دولت مستلزم وجود دستگاه اداری کار آمد و بهینه در کشور است . چنین دستگاهی پاسخ گوی نیاز های آحاد ملت ، مروج عدالت اجتماعی ، متضمن دستیابی همگان به خدمت با کیفیت (مانند آموزش و بهداشت) و سرمایه های تولیدی و ایجاد محیطی مطمئن برای توسعه مردم محور و پایدار خواهد بود (مجمع عمومی سازمان ملل ۱۹۹۶). برای محاسبه شاخص کارایی دولت گروهی از شاخص های مرتبط از قبیل کیفیت خدمات عمومی ، چگونگی بوروکراسی و تشریفات اداری کارمندان دولتی ، عدم وابستگی خدمات اجتماعی به فشار های سیاسی و میزان تعهد دولت به اجرا سیاست ها در نظر گرفته می شود . در دیدگاه مطلوب نهاد گرایان دولت عبارت از

دولتی کار آمد و شفاف است که با نهاد سازی مناسب ، توسعه را به سمت جلو هدایت می کند ، حقوق مالکیت را پاس داشته ، مانع فعالیت رانت خواران سودجو خواهد بود و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب هزینه مبادلات افراد را کاهش می دهد.

عموما حکمرانی به تغییرات در نقش ، ساختار و فرآیند عملیات دولت یا روش های حل مشکلات اجتماعی اشاره دارد ولی علی رغم جذابیت بسیار، حکمرانی به صورت ولضح تعریف نشده است. ابهام تعاریف از علل بسیاری ناشی می شود، بویژه هنگامی که به کاربرد حکمرانی در آفریند اصلاحات اداری توجه می شود، واضح نیست که در مورد ساختارهای اداری، فرآیندهای اداری، قضاوت مدیریتی، سیستم های پاداش و مقررات، فلسفه اداری، یا ترکیب این عناصر صحبت می کند (Heinrich and Lynn 2000:1).

برخی اوقات نیز حکمرانی به طور کلی به هر گونه تغییرات مطلوب برای اصلاحات اداری اشاره دارد ولی باید توجه داشت که دولت کارآ، دموکراتیک، پاسخگو و شفاف؛ هدف نهایی نه تنها تئوریهای جدید مدیریت دولتی بلکه همچنین هدف تئوریهای سنتی متمایز می کند ابزارهای دستیابی به آنهاست. بنابراین برای تمایز حکمرانی از تئوریهای سنتی و اداره بوروکراتیک نیز بوده است، لذا آنچه که تئوریهای جدید را از تئوریهای سنتی متمایز می کند ابزارهای دستیابی به آنهاست.

مشارکت

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ، قانون اساسی جدید بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت تنظیم شد و برای هریک از این دو پایه ، ساز و کار های مختلفی پیش بینی گردید در این قانون از طرفی بر سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان و نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی تأکید شده و از سوی دیگر ، نظارت دقیق اسلام شناسان عادل ، پرهیزگار و متعهد ، ضروری دانسته شده است . در این قانون هم بر مشارکت مردم در تصمیم گیری های سیاسی و هم بر اجرای دقیق احکام به دست حکومت تأکید شده است همچنین تصریح شده است که در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکای آرای عمومی از طریق انتخاب رئیس جمهور ، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ، اعضای شوراهای و نظار اینها یا از طریق همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر معین می گردد (اصل ششم قانون اساسی) اداره شود . آنگاه با استناد به دستور

قرآن کریم ، و امرهم شوری بینهم و وشاورهم فی الامر . مجلس شورای اسلامی ، شورا های استان ، شهرستان ، شهر ، محل ، بخش و روستا از ارکان تصمیم گیری و اداره کشور به شماره آمده است (اصل هفتم قانون اساسی) بنابراین پیش بینی این ساز و کار ها ی دموکراتیک ، ظرفیت مناسبی را برای توسعه دموکراسی در کشور ایجاد کرده است.

پاسخگویی

قانون اساسی ج . ا.ا. پاسخگویی را به عنوان یکی از ساز و کار های تحقق عدالت اجتماعی و دموکراسی در نظر گرفته و هم اجزای حکومت و دولت را با روش های متفاوت مکلف به پاسخگویی در برابر مردم و نیز در برابر نهاد های نظارتی نموده است جدول شماره ۲ ، سازو کار های و روش های پاسخگویی نهادها و قوای مختلف در ایران را به نمایش می گذارد

در کنار تأکید قانون اساسی بر اهمیت پاسخگویی در نظام ج.ا.ا. به بررسی نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه وضعیت پاسخگویی سازمان های عمومی در ایران می پردازیم.

عدالت و برابری

پیدایش دغدغه زندگی عادلانه همزاد زندگی اجتماعی بشر است و به همین دلیل مهم ترین مسئله او هنگام اندیشه ورزی در خصوص مسائل اجتماعی بوده است. عدالت اجتماعی به تعداد حوزه های اجتماعی قابل تفکیک است. بنابراین مقوله کلی عدالت اجتماعی تحت مفاهیم عدالت اقتصادی ؛ عدالت سیاسی ؛ عدالت حقوقی از یکدیگر قابل تفکیک است. قانون اساسی ج.ا.ا. نیز در اصول متعددی بر تأمین عدالت در همه ابعاد تأکید نموده است. در ذیل به برخی از اصول با توجه به معانی متفاوت عدالت اشاره می شود:

—عدالت به معنای رفع تبعیض (بند های ۹ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی و چهل و هشتم)

—عدالت به معنای برابری در امتیازات ، همه افراد اعم از زن و مرد (اصل ۲۰)

-عدالت به معنای حق و حقوق متناسب (اصل ۲۹ برخورداری از تامین اجتماعی؛ اصل ۳۰ آموزش رایگان و اصل ۳۱ داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق همه شهروندان ایرانی دانسته اند).

-عدالت به معنای برقراری شرایط مساوی و برابر(اصل ۲۸ و بند ۱۴ اصل سوم)

عدالت جنسیتی

از لحاظ عدالت جنسیتی ، تحقیقی که در باره میزان مشارکت زنان در سطوح مدیریتی انجام گرفته ، چنین نتیجه گیری کرده است که کشور ما از نظر مقیاس مشارکت زنان در مدیریت ، در وضعیت نامساعدی قرار دارد

نتایج پژوهشی دیگر که توسط گروهی از پژوهشگران دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است ، تفاوت معناداری از لحاظ مشارکت سیاسی دارند همچنین در برخی موارد زنان از لحاظ حقوقی نسبت به مردان از وضعیت

تبعیض آمیز رنج می برند. همچنین نتایج تحقیقی که در زمینه شکاف دستمزدی مبتی برجنسیت در صنعت ایران انجام گرفته ، نشان می دهد که زنان با دانش مهارت و استعداد مشابه ، دریافت کمتری از نظام جبران خدمات صنایع کشور دارند

حقوق بشر

طی سال ها بعد از پیروزی انقلاب ، در مقاطع مختلفی بحث حقوق بشر در ایران در جوامع بین المللی مطرح شده است توجه بشر در ایران به این کشور سفر می کردند و نیز محتوای گزارش های ارائه شده توسط نمایندگان اعزامی کمیسیون حقوق بشر یا نهاد های مختلف بین المللی که به منظور ارزیابی حقوق بشر در ایران به این کشور سفر کردند و نیز محتوای قطعنامه های صادره علیه ایران ، نشان میدهد با وجود منکات منفی فراوانی که فصل مشترک این فصلنامه هاست از دهه ۱۹۹۰ به بعد شاهد بهبود گزارش های صادره و ملایم تر شدن لحن گزارش ها و قطعنامه ها هستیم بگونه ای که برخی اقدامات مثبت ج.ا.ا. در زمینه حقوق بشر همچنین گسترش مطبوعات ، کتاب ، نشریات و اینترنت که به تقویت آزادی بیان می انجامد ، اصلاحات قضایی ، عفو مجرمان ، برپایی انتخابات آزاد ، توجه به حقوق اقلیت های دینی ، رشد مشارکت زنان ، طرح

مباحثی همچون گفتگوی تمدن ها جامعه مدنی و قانونی گرایی ، همکاری فعال با نهاد ها و سازمان های منطقه ای بین المللی حقوق بشر و اقدامات مشابه دیگر ، باعث بهبود دیدگاه جهانی نسبت به حقوق بشر در ایران شده است اقدامات فوق باعث شد بر خلاف سال های ۱۹۸۳ به بعد که همه ساله اتحادیه اروپا قطعنامه هایی علیه ایران درباره کمبود احترام به حقوق بشر به کمیسیون عمومی سازمان ملل متحد ارائه می کرد برای نخستین بار درس ال ۲۰۰۲ ، قطعنامه به پیشنهاد رای نیلورد

توسعه انسانی : توسعه انسانی پایدار انسانی به معنای گسترش حیطه انتخاب برای همه افراد جامعه است به این معنا که همه مردان و زنان جامعه بویژ [قشر ضعیف و کم در آمد ، محور فر آیند توسعه باشند همچنین به معنای حفاظت از منابع و فرصت های زندگی و منابع طبیعی برای آیندگان است .

کارایی و اثر بخشی دولت :

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال های ۱۳۵۷ ، به دلیل مصادره و ملی شدن بسیاری از شرکت ها، بخش دولتی شاهد حضور چشمگیری بسیار سریع تعداد زیادی از شرکت هایی شد که تنها به دلایل سیاسی و غیر اقتصادی ، مدیریت دولتی بر آنها حاکم گردید طی سال ها گذشته ، بودجه شرکت های دولتی در مجموعه بودجه کل کشور به سرعت افزایش یافته است و این امر حاکی از سهم هر چه بیشتر شرکت های دولتی در فعالیت های اقتصادی است ، در این سال ها بدهی مجموعه شرکت های دولتی به دولت و سیستم بانکی به مراتب افزایش یافته است بگونه ای که عدم کارایی و نامطلوب بودن ساختار تولید و بکارگیری عوامل تولید ، ساختار نامناسب مالی و عملیاتی از خصوصیات و مشخصه های اصلی شرکت های دولتی در ایران است و این امر به شدت شفافیت اقتصادی را مخدوش و زمینه رات خواری و رانت جویی در سطح وسیع را فراهم آورده است به عنوان مثال نتایج طرح مطالعاتی تدوین برنامه مبارزه با فساد و ارتقاء سلامت در نظام اداری نشان می دهد که آقا زاده ها موفق شدن واردات برخی از اقلام پر سود همچون تلفن همراه عدسی عینک ، خوردرو تلویزیون، وئیدو و شکر راقبضه کنند.

شفافیت از جمله موضوعات اساسی در مباحث کلان حکومت های مردم سالار و اصلاح اداره عمومی است که در جهت تقویت رابطه حکومت با شهروندان به مثابه یک حرکت اساسی در بهبود سیاستگذاری قلمداد می

شود، چنان که امروزه به عنوان یکی از مولفه های اساسی حکمرانی خوب محسوب می گردد. مردم چنانچه در جریان تصمیم گیری ها قرار گیرند، متوجه درستی و نادرستی آنها خواهند شد و نتیجه این امر، امنیت خاطری است که ملت نسبت به حکومت پیدا می کنند و در جهت استمرار و تقویت آن گام بر خواهند داشت.

مبانی اصل شفافیت از دیدگاه نظریه حکمرانی خوب

شفافیت یکی از مولفه های بنیادین نظریه حکمرانی خوب است و برای کارکردهای آن لازم و ضروری می باشد. شناخت دقیق مبانی اصل شفافیت در تئوری حکمرانی خوب می تواند نقش بسزایی در گسترش و تقویت آن داشته باشد، امری که در این قسمت سعی در تبیین آن خواهیم داشت.

دموکراسی

دموکراسی یا مردم سالاری، مفهومی است که به فلسفه سیاست مربوط می شود و یک نظام حکومتی و طرحی برای جامعه است که هدف آن، کامیابی فردی و جمعی تمام شهروندان است. برخی متفکران غربی، دموکراسی را به صورت یک رژیم یا نظام حکومتی تعریف کرده اند که در آن، حاکمان در برابر اقدامات خود در حوزه های عمومی توسط شهروندان عمل می کنند. امروز برای قوام، استحکام و تحقق هر چه بهتر دموکراسی سه شرط اصلی لازم است. این شرایط باید گام گام محقق شده؛ چون بمانند دانه های زنجیر به یکدیگر متصل اند: ۱- شرط اول، شرایط فکری دموکراسی است و تدارک اطلاعات، یکی از شروط اولیه آن است که به شهروندان اکان می دهد براساس آنها هوشیارانه عمل کنند آزادی اطلاعات، یک حق اساسی بشر است که سنگ بنای دموکراسی، مشارکت و حکمرانی مطلوب است شناسایی این حق کلیدی، برای بهبود وضعیت جامعه از جمله تقویت دموکراسی و کاهش اعمال ضد و نقیض دولت، ضروری است.

شرط دوم برای تحقق دموکراسی، شفاف سازی حکومت و دولت است. وقتی تصمیمات در پشت در های بسته اتخاذ شود و از مردم پنهان بماند، نتیجه این امر تباهی مشارکت عمومی شهروندان است. براساس این فرآیند، حق مردم

شرط دوم برای تحقق دموکراسی، شفاف سازی حکومت و دولت است. وقتی تصمیمات در پشت در های بسته اتخاذ شود و از مردم پنهان بماند، نتیجه این امر تباهی مشارکت عمومی شهروندان است. براساس این فرآیند، حق مردم در دسترس آزادانه به اسناد و مدارک دولت به رسمیت شناخته شده و مردم به آسانی می توانند از عملکرد آن آگاه شده و در تحقق دموکراسی به صورت آگاهانه شرکت نمایند.

شرط سوم از شرایط تحقق مطلوب دموکراسی، نظارت و پاسخگویی حکومت است بنیادی ترین اصل در هر کشور دموکراتیک آن است که شهروندان بتوانند در مرحله آخر به واری و نظارت بر رفتار دولت پردازان (نمک دوست تهرانی)،

حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی

حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش در نظام های سیاسی مردم سالار، با مشارکت آنان در همه شئون حیات جمعی ملازمه دارد یک حاکمیت خوب دموکراتیک، با دخالت مردم و شهروندان در تعیین مقامات حکومتی و در شکل گیری تصمیمات و سیاست های نظام حاکم تحقق می یابد تنها این دخالت و نظارت از سوی مردم است که به میزان قابل توجهی سیاست ها و کارکردهای نظام در راستای تقاضای شهروندان تدوین و اجرا و پایش می گردد و در نتیجه، در رضایت عمومی مردم نقش محوری ایفا می کند

ارزیابی مبانی نظری الگوی حکمرانی خوب براساس بیانیه گام دوم

همان گونه که در مبانی نظری الگوی حکمرانی خوب ملاحظه شد، هدف اصلی در این الگو، توسعه، به ویژه توسعه اقتصادی و مادی است؛ یعنی از نظر نهادهای بین المللی و نظریه پردازان، در حکمرانی خوب، مهم این است که دولت از نظر مادی توسعه پیدا کند. از نظر آنان، الگوی مزبور می تواند ابزار خوبی برای این توسعه باشد.

اما این الگو به عنوان ابزار توسعه، چند مشکل اساسی دارد: اولاً، حکمرانی خوب از نظر هستی شناسی، معتقد به اصالت فرد در مقابل اصالت جامعه است؛ زیرا ریشه در لیبرالیسم دارد. ثانیاً، از نظر انسان شناسی، معتقد به اومانیسم است و همه چیز را در محور انسان - نه خدا - ارزیابی می کند. ثالثاً، از نظر معرفت شناسی معتقد به

اصالت حواس است؛ یعنی آنچه از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد قابل شناخت است. بنابراین، به دیگر عوامل معرفت توجه ندارد. رابعاً، از نظر روش شناسی، روش را منحصر به روش تجربی می داند و روش وحیانی را، که به تجربه در نمی آید، انکار می کند.

بدین روی حکمرانی خوب اولاً، به بعد معنوی انسان توجه ندارد. حتی حاضر است در صورت نیاز، اخلاقیات و معنویات را فدای توسعه مادی کند. ثانیاً، این الگو تنها به بعد جسمانی انسان بسنده نموده، به بعد روحانی و متعالی انسان توجه ندارد. به عبارت دیگر، این الگو تنها می تواند یک جامعه توسعه یافته کاملاً مادی به ارمغان آورد. ثالثاً، حکمرانی خوب مبتنی بر لیبرالیسم و اومانیزم است. در لیبرالیسم، آنچه مطرح نیست، مبدأ (خداوند) و معاد و وحی است، یعنی در تفکر لیبرالیستی، اعتقاد به خدا موضوعیتی ندارد (مصباح، ۱۳۸۲، ص ۸۷).

با توجه به این نقدهای اساسی که بر مبانی نظری حکمرانی خوب به عنوان الگوی حاکم بر دنیای غرب، وارد شده، مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای می فرماید: الگوی غرب برای توسعه یک الگوی ناموفق است؛ زیرا با وجود دستیابی کشورهای غربی به ثروت و قدرت، ارزش های انسانی و معنویت در این جوامع از بین رفته اند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۷۶). ایشان به سبب رویکرد مادی توسعه در الگوی غربی، آن را برای کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای اسلامی، مناسب ندانسته، می فرماید:

"به نتیجه نرسیدن مدل توسعه غربی در نظام اسلامی، ماهیت متفاوت مبانی دیدگاه اسلامی و غرب نسبت به پیشرفت و جایگاه انسان در این پیشرفت است. در دیدگاه غرب، پیشرفت مادی و محور آن سود مادی است. بنابراین، در چنین دیدگاهی، اخلاق و معنویت می تواند قربانی پیشرفت مادی شود." (همان، ص ۷۷)

مقام معظم رهبری با اعتقاد به برتری حکومت اسلامی (حکمرانی شایسته) بر حکمرانی خوب می فرماید: اسلام، هم به توسعه مادی و اقتصادی توجه دارد و هم به بعد معنوی و متعالی انسان، و هریک را بدون دیگری ناقص و ناکارآمد می داند. ایشان می فرماید:

در دیدگاه اسلام، پیشرفت مادی هدف نیست، بلکه وسیله رشد و تعالی انسان است. در جهان بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵)

وی بر این باور است که: اختیار انسان برای پیمودن مسیر خود پرستی تا خداپرستی، به منظور رسیدن به رستگاری در دیدگاه اسلام، و مذموم بودن دل بستگی به دنیا در این مسیر، یک اصل است. در عین حال، اسلام از زاویه اجتماعی، وظیفه انسان را مدیریت دنیا و استفاده از استعدادهای فراوان طبیعی برای آبادانی دنیا می داند. الگوی پیشرفت مبتنی بر معنویت، مدل مطلوب توسعه است (همان، ص ۱۵۱).

بحث و نتیجه گیری

در یک تحلیل کلی می توان چنین برداشت کرد که ماهیت حکمرانی خوب و اصول مندرج در آن در جوامع اسلامی متفاوت از جوامع اسلامی متفاوت از جوامع غربی است ؛ اما با توجه به هنجاری بودن این آموزه می توان اصول آن را با مبانی فلسفی و ارزشی و نیز ساختار فرهنگی - سیاسی جوامع گوناگون تطبیق داد از این رو در جوامع اسلامی و از جمله جمهوری اسلامی ایران که بر مشروعیت الهی حکومت تاکید شده است ، پذیرش اصول نظریه ی حکمرانی خوب به عنوان یک تجربه ی بشری با رعایت ضوابط و قواعد اساس مانند حاکمیت قوانین الهی و ضرورت رهبری اسلامی و متناسب با شرایط فرهنگی و اعتقادی در نظام اسلامی با محذوری مواجه نیست ، ضمن این که مقایسه ی ماد اصول حکمرانی خوب با اصول اسلامی حکمرانی تبیین اصول مستقل ناظر بر حکمرانی برگرفته از معارف قرآنی باید مورد توجه قرار گیرد بنابراین ، نگاه کاربردی صرف به اصول حکمرانی خوب بدون هیچ قید و شرطی و بدون لحاظ مبانی اسلامی ، آن گ. نه که طرفداران مطلق این دیدگاه معتقد ند، در جوامع اسلامی جایز و ممکن نمی باشد . چنان که دیدگاه مخالفان مطلق که باب هر گونه مقایسه و بحث را می بندد ، نمی تواند مورد پذیرش واقع شود . با این همه ، ترویج اصول نظریه ی حکمرانی خوب در جامعه اسلامی به دلیل سوئی برداشت و تفسیر های متفاوت توصیه نمی شوو و تبیین و ترویج اصول مستقل حکمرانی مستخرج از قرآن و سنت مورد تاکید است.

با توجه به تغییرات روز افزون جامعه بشری و تغییر در انتظارات افراد جامعه به نظر می رسد ارائه نسخه واحد الگوی حکمرانی خوب نمی تواند برای تمامی کشور های و سازمان های آنها پاسخگو باشد و در این میان بهره گیری از الگوی بومی تا حد زیادی خلا ها را پر می کند . همان طور که در مقدمه اشاره شد ، شیوه رهبری و حکمرانی تابعی از ارزش های حاکم بر بافت سازنده جامعه ، و بدیهی است چگونگی ماهیت عناصر تشکیل دهنده جامعه ، خود نوع خاصی از نظام ارزشی و شیوه خاص حکمرانی را اقتضا می کند الگوی حکمرانی خدامدار می تواند زمینه را به منظور توسعه جامعه اسلامی ایران و بهبود سطح مدیریتی سازمان های ایرانی فراهم سازد . این الگو ضمن بر خورداری از ساختار سیستمی جامع ، جهتگیری نوینی در الگوی حکمرانی خوب دارد و باعث تعالی پایدار این الگو خواهد شد. در این پژوهش برای اولین بار الگویی از حکمرانی ارائه شد که علاوه بر اینکه معیار های جهانی حکمرانی را شامل می شود ، معیار های حکومت شاسته اسلامی را نیز در بر می گیرد . این جدول به مقایسه معیار های الگوی حکمرانی خدامدار با سایر الگو ها یا پژوهش های مشابه می پردازد.

آموزه ی حکمرانی خوب در دهه های اخیر و متعاقب عدم موفقیت نظریات ناظر بر دولت ، از سوی نهاد های بین المللی نظیر کمیسیون حقوق بشر و بانک جهانی مطرح گردید . این آموزه بر توانمند سازی دولت تاکید داشته و تحقق این امر مذکور را منوط به اصلاح روش حکومت داری می داند. طرح این دیدگاه در مجامع غربی سبب شده عده ای امکان اجرایی شدن آن را در جوامع اسلامی با دیده ی تردید بنگرند.به دنبال بررسی این امر ، صاحب نظران آرای گوناگون و بعضا متعارضی مطرح نموده اند .در این راستا با لحاظ مبانی اسلامی در خصوصت حکومت و حکمرانی مانند اصل حاکمیت قوانین اسلامی و سایر اصول ناظر بر مقوله ی حکمرانی که از قرآن و سنت اتخاذ شده اند ، آموزه ی مورد بحث به صورت مشروط با رعایت مبانی مزبور قابلیت اجرایی خواهد داشت .این آموزه با تاکید بر توانمند سازی دولت ، معیار های و اصول حکومت داری که دولت ها از طریق آنها به اداره ی امور عمومی و تضمین حقوق بشر می پردازند را در بر می گیرد.

به بیان دیگر این آموزه که در چهار چوب مفهوم کلی حقوق بشر و در جهت صیانت از اجرای مقررات آن شکل گرفته است ، در عرصه ی حکمرانی به دنبال باید ها و نباید هایی است که به سازی و ارتقای کیفیت آن را تحقق بخشد . دراین راستا بحث از اختیارات حکومت و کارگزاران حکومتی ، مشارکت مردم و حقوق آنان ،

نظارت مردم بر کارگزاران حکومتی و نیز پاسخگویی ایشان به مردم ضرورت می یابد . با این وصف از نظر ماهوی مفهوم حکمرانی خوب ، در عین این که دارای همان معیار ها و ظوابط و استانداردهای حقوق بشر است ، مجموعه ای از مکانیزم ها ، روش ها ، فرآیندها ، سیاست ها و مدیریت های اجرایی را نیز در همان راستا در بردارد که از لوازم اجرایی حقوق بشر در کشور های عضو است . حکمرانی خوب از عناصر و معیار هایی چون شفافیت ، مسئولیت ، پاسخگویی ، مشارکت ، حاکمیت قانون و انعطاف پذیری تشکیل شده است . که در جمع بندی و تطبیق نظریات حکمرانی خوب با آموزه های دینی و بیانیه گام دوم انقلاب می توان به رهیافت جدیدی در ترسیم نوح حکمرانی در کشورایران برپایه اصول و عقاید اسلامی و نیز جنبه های اساسی حکومتداری دست یافت که این شاخصها را میتوان در حاکمیت قانون ، حق اظهارنظر و پاسخگویی ، مشارکت ، کنترل فساد ، شفافیت ، عدالت ، اثربخشی دولت در حوزه پیشرفت ، خلاصه وارائه نمود.

**The Foundations of Good Governance in the Islamic Republic of Iran Based on Religious Teachings:
With emphasis on Second Phase of the Revolution**

Mohammad Sharifi, Soheil Gharshasbi

Abstract:

The "good governance *" paradigm is a current way of governing society worldwide, with a separate state and government position. Good governance, on the other hand, has been shaped and developed in a material culture and certainly not in line with Islamic culture. After World War II, Western nations sought to repair the devastation and development of war-affected countries. In this context, three approaches including big government, small

government, and good governance models were put forward. For good governance, international institutions have put forward indicators. The closer a country is to these indicators, the more developed it will be. Governance in the general sense involves the process of applying policies and decisions by officials to the political arena, but from the religious teachings of Islam, the caliphate of the governorate of God is for the sake of perfection. The basic question of this paper is whether a model of governance can be provided for the administration of Iranian society based on the practical and theoretical teachings of the Islamic religion and with a strategic view to the Second Phase of the Revolution. This research is a descriptive-analytical and a method of collecting. Documentary and theoretical framework for good governance, the basic foundations of Islam and the Second Phase of the Revolution deal with the issue. Progress as the most important component of good governance from the perspective of religious teachings as the ruling of the Islamic Republic of Iran was introduced.

Keywords: Second Phase of the Revolution, Islamic Republic of Iran, Governance, Good Governance.

1-Researcher and Ph.D. Student of Strategic Cultural Management, Supreme University of National Defense, Faculty Member of the Police and Social Studies Center, Email: moh.sharifi@iran.ir Tel : ۰۹۱۲۸۴۷۸۱۴۷.

-Researcher and Ph.D. Student of Strategic Cultural Management, Supreme University of National Defense.Tel:۰۹۱۲۵۲۵۳۱۹۴

* In this article, the word " good governance" means "transcendental governance".

منابع

آرایی، وحید، ۱۳۸۸، حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی گزارش، ش ۶.

پور آقایی، سپیده، ۱۳۸۳، شاخص های حکمرانی به روایت بانک جهانی، **گزارش**، ش ۱۵۴.

حسین زاده بحرینی، محمد حسین ۱۳۸۳، بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه ها و سیره حکومت امام علی علیه السلام، دفتر بررسی های اقتصادی.

حق پناه، رضا، فلسفه مندی حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام، پژوهش های اجتماعی اسلامی، ش، ۲۶.

دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش های تخصصی چشم انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.

رهنورد، فرج الله، مؤلفه ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم انداز ۱۴۰۴، گزارش پژوهشی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت، کمیته نظام اداری و مدیریت، ۱۳۸۸.

سبحانی، جعفر، ۱۳۸۲، اصول سیاست در سیره عملی امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ش ۷.

سروش، محلاتی محمد، ۱۳۸۰، اهداف و آرمان های حکومت، قبسات، ش ۲۰ و ۲۱.

شریف زاده، فتاح، رحمت الله قلی پور، ۱۳۸۲، حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ش ۴.

صوفی مجیدپور، مسعود، ۱۳۸۳، نظریه حکمرانی خوب به منزله سیاست توسعه، ماه علوم اجتماعی، ش ۸۷.

محدثی، جواد، ۱۳۷۹، حکومت علوی از نگاه امام خمینی ره، حکومت اسلامی، ش ۱۸.

مصباح یزدی، محمدتقی، 1382، کاوش ها و چالش ها، تحقیق و نگارش، محمدمهدی نادری و سیدابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله).

میدری، احمد، جعفر خیر خواهان، ۱۳۸۳، حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.

نادری، محمد مهدی، ۱۳۹۰، حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، اسلام و پژوهش های مدیریتی، ش ۱.

ناظمی اردکانی، محمد، ۱۳۸۷، حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۱۲۸.

World Bank, 1999, "Findings on Governance, Institutions and Development", p. 3.

Kaufmann, Daniel, 2003. "Rethinking Governance: Empirical Lessons Challenge

Kaufmann, Daniel, 2003. "Rethinking Governance: Empirical Lessons Challenge

Christiane Arndt & Charles Oman (2008) "The Politics of Governance Ratings
",Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance, p. 11.

Christiane Arndt & Charles Oman(2008) "The Politics of Governance Ratings
",Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance, p. 11